



شکست جنبش مقاومت فلسطین در مقابل ارتجاع منطقه

جنبش انقلابی فلسطین که در دهه های گذشته بمثابه چراغ راهنمای اکثر انقلابیون خاورمیانه محسوب می شد ، سر انجام در انتخابات ششم بهمن ماه از سازمان بنیاد گرای حماس شکست خورد.

از هنگامیکه سازمان آزادیبخش فلسطین در سال ۱۹۶۵ برهبری یاسر عرفات تشکیل شد تا اکنون که از یک سازمان ارتجاعی اسلامی شکست خورده است همواره این جنبش فراز و نشیب بسیاری را از سر گذرانده است . آنچه اکنون برای نیروهای انقلابی و دمکرات حائز اهمیت است بررسی علل شکست این جنبش و درس آموزی از تجارب گرانبهای این واقعه است . صرف نظر از سیاستهای سازشکارانه ایکه در مقاطعی جنبش آزادیبخش فلسطین و رهبران آن در پیش گرفتند ، اختلافات درونی اخیر میان نسل جدید و قدیم فلسطین نیز تضعیف آنها را در پی داشته است. با این وجود نباید سیاست مخرب کشورهای امپیریالیستی پس از اعلام نوعی خودمختاری فلسطینی ها در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را از نظر دورداشت.

بدنبال توافقنامه «صلح اسلو» و پافشاری عرفات مبنی بر تشکیل دولت مستقل فلسطین به پایتختی بیت المقدس حملات کینه تورانه ای بر علیه وی و جنبش انقلابی فلسطین از جانب رسانه های تبلیغاتی غرب دامن زده شد. هنگامیکه عرفات از پذیرش تقسیم بیت المقدس سرباز زد ، ناگهان سیاست غرب نیز بر علیه وی تغییر یافت . فردیکه راکه چندی پیش مرد صلح لقب داده و به وی جایزه صلح نوبل اعطا کرده بودند ، سعی کردند یکباره او را در انظار عموم بشکنند و با زدن بر چسب های ناهنجار «دزد و مافیا» وی رامتهم به «فساد مالی» و رشوه خواری کردند. این سیاست هنگامی برای کشورهای غربی مقبولیت بیشتری یافت که بعد از عملیات ۱۱ سپتامبر ، بویژه آمریکا در جستجوی بهانه ای بود تا هر چه زودتر آرمان فلسطینی ها به بهانه «مبارزه با تروریسم» به فراموشی سپرده شود. ۱۱ سپتامبر فرصتی به دستگاه تبلیغاتی دنیای سرمایه داری ارزانی کرد تا آنها بیشترین تبلیغات را حول سرسختی عرفات بعنوان یک فرد غیر منطقی و در عین حال یک «مفسد مالی» سازماندهی کنند. در تداوم تحریکات علیه جنبش آزادیبخش فلسطین ، صندوق بین المللی پول نیز بیاری آمریکا و اسرائیل شتافت. این ارگان بین المللی طی بیانه ای اعلام داشت تشکیلات خودگردان مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار اختلاس کرده است . این درحالی است که آمارهای منتشره در سال ۱۹۸۰ ذخایر مالی سازمان آزادیبخش فلسطین قبل از خروج از لبنان را پنج میلیارد دلار برآورد کرده اند و در آن زمان هیچکس از فساد مالی ویا ثروت اندوزی عرفات سخنی بمیان نیاورده است !

با وجودیکه سازمان حماس از ابتدا به تشویق رژیم صهیونیستی اسرائیل و بخاطر مقابله با جنبش مقاومت فلسطین بوجود آمد و علی رغم اینکه تا چندی پیش حسابهای بانکی این سازمان در آمریکا و زیر نظردستگاه اطلاعاتی آمریکا قرار داشت ، اما هیچوقت از خلاف ویا «فساد مالی» این سازمان بنیادگرا با بودجه صدهامیلیون دلاری اش سخنی بمیان نیاوردند. هیچوقت رسانه های تبلیغاتی غرب براین حقیقت مسلم پافشاری نکردند که بودجه صدها میلیون دلاری حماس از کجا تأمین می شود ؟ تجار وابسته به حماس در داخل فلسطین و خارج از مناطق این سرزمین به چه فسادهای مالی و زدوبند هایی دست می زنند!

طی ده سال گذشته رسانه های گروهی غرب بطور دائم سازماندهان و تظاهرکنندگان وابسته به جنبش انقلابی فلسطین بر علیه اسرائیل را فریب خوردگانی توصیف کرده اند که گویا رهبرانشان دست در دست مافیا و بزهکاران اجتماعی به چپاول آنها مشغولند !! اما همین رسانه ها فراموش کردند حتی یکبار از بودجه سرسام آور بیمارستانهای مجهز حماس ویا بورسهای تحصیلی هزاران هوادار این سازمان سخنی بمیان آورند ، چه رسد به بودجه ده ها میلیون دلاری تأمین انتخابات ، آنهم برای مزین شدن افراد به یک شکل و یک رنگ با شالهای سبز ، کلاههای سبز ، پرچمهای سبز و غیره که عموم مردم از رسانه های جمعی آنها را دیده اند.

درسالهای گذشته تنها در موارد خاصی دستگاه تبلیغاتی غرب از کمکهای مالی رژیم جمهوری اسلامی ایران به سازمان بنیادگرای حماس یاد کرده اند. درحالیکه سالانه صدهامیلیون دلار نقد و تجهیزات نظامی از سوی رژیم جمهوری اسلامی ایران به حماس داده می شود ، آیا چنین پرداختهای پنهان و بی حسابی از دید دنیای غرب «فساد مالی» محسوب نمی شود ؟ درکدام بخش از بودجه و یا حسابرسیهای دولتی و غیر دولتی رژیم ایران این بودجه سرسام آور گنجانده شده

است؟ چرا تروریست تاجرهای حماس که تعدادشان در ایران کم نیست و اکنون دست در دست امثال انیس نقاش تروریست معروف لبنانی صاحب بزرگترین آسمان خراشهای تهران هستند متهم به «فساد مالی» نمی شوند؟ اگر دستگاه اطلاعات غرب ادعا می کنند از حضور تاجرحماس در ایران بی خبرند (!) اما قطعاً نمی توانند رفت آمد انیس نقاش را بعنوان امضاء کننده طرف قراردادهای اقتصادی رژیم ایران به اروپا کتمان کنند!!

از سوی دیگر تمام انتخاباتی که در سالهای گذشته «تحت نظارت بین المللی» صورت گرفته است عموماً با حضور جیمی کارتر رئیس جمهور سابق آمریکا بوده است. در تمام موارد نتیجه انتخابات به نفع آمریکا و ترتیب دهندگان این نوع «انتخابات دمکراتیک» پایان یافته است. از انتخابات السالوادور تا لبنان و اکراین، همه شاهد این پیروزی طرفداران سینه چاک «حقوق بشر» می باشند. عجباً که این بار علی رغم حضور آقای کارتر و باوجود هزاران مأمور آشکار و پنهان اسرائیلی، از پس یک «دشمن سرسختی» نظیر سازمان حماس بر نیامدند؟ شاید عدم قاطعیت محمود عباس برای خلع سلاح حماس موجب شده است تا شمشیر در دست یک سازمان بنیاد گرا قرارگیرد، در آنصورت، بفوریت برنامه رژیم جمهوری اسلامی ایران در فلسطین پیاده خواهد شد، آنگاه جنگ داخلی در فلسطین رضایت خاطر افشاکنندگان «فساد مالی» تشکیلات جنبش آزادیبخش فلسطین و عرفات را فراهم خواهد ساخت.

تانشان سم اسبت گم کنند ترکمانا نعل وارونه زن

اکنون سالیان زیادی است که امپریالیسم آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل سیاست های ماجراجویانه ای را در برخورد با مسائل و معضلات پیچیده اقتصادی-اجتماعی دنیا در پیش گرفته اند. این سیاست در فلسطین موجب تقویت سازمان حماس را فراهم کرد. چراکه علی رغم رأی دآوری دیوان لاهه آرل شارون اعلام کرد به کشیدن دیوار دور فلسطینی ها ادامه می دهد، توافق «صلح اسلو» را نمی پذیرد و عملاً فرصتی را که برای طرف مقابلش برای صلح پیش آمده بود از بین برد. در چنین وضعیتی اتوریتته سازمان آزادیبخش فلسطین پائین آمد، لذا هوادارانش به سوی سازمان حماس روی آوردند. همین سیاست ماجراجویانه طی سه سال گذشته در عراق نیز دنبال شده است. ده ها هزار سرباز آمریکایی کشته و معلول گردیده اند تا قدرت صدام حسین به رژیم جمهوری اسلامی ایران و هواداران شیعی مسلک این رژیم انتقال یابد! ظاهراً دولت آمریکا مخالف رژیم جمهوری اسلامی ایران است، اما در باطن وسایل اقتدار شیعیانی را فراهم می کند که دست پرورده رژیم ایران و بزرگ شده کشور ایران هستند. در این میان رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز از بام تا شام فریاد تبلیغات «ضد آمریکایی اش» قطع نمی شود؟ اما همین «رژیم ضد آمریکایی» تاکنون بعنوان یکی از دوستان پنهان آمریکا در منطقه وسایل تعرض دولت آمریکا به افغانستان و عراق را فراهم ساخته است. در هر دو مورد حمله نظامی آمریکا به کشورهای یاد شده رژیم ایران اجازه داده است تا نیروی هوایی آمریکا از حریم هوایی ایران بر علیه تجاوز به عراق و افغانستان بهره گیرد. ظاهراً رژیم جمهوری اسلامی ایران در لیست تحریم اقتصادی آمریکاست؟ اما در باطن امتیازفروش محصولات پتروشیمی ایران به چین و ده ها منابع دیگر کشورمان در دست آمریکایی ها و شرکتهای وابسته به آنان است.!! در عرصه معاملات نفتی نیز آمریکا سهم خود را در ایران حفظ کرده است. هم اکنون منافع نفتی آمریکا از طریق شرکتهای نفتی فرانسه، یوگسلاوی، انگلستان و... در ایران تأمین می شود. مشکل آمریکا با ایران همان مشکلی است که با عراق داشت. سهم دریافتی را کافی نمی داند، لذا از ایران می خواهد که به معاملات ۲۶ میلیارد دلاری رسمی اش با اروپا پایان دهد، چراکه آمریکا بازار ایران را سنتاً از آن خود می داند و هنوز علاقه دارد مسائل اقتصادی ایران به سیاق زمان دیکتاتوری شاه اداره شود.

در چنین شرایطی کاملاً قابل درک است، تا هنگامیکه آمریکا با رژیم های دیکتاتوری و خود کامه ای نظیر جمهوری اسلامی ایران زد و بند کند، تا زمانیکه وسایل اقتدار رژیم ایران بعنوان محور یک حکومت ارتجاعی در رأس شیعیان را فراهم کند، این رژیم به کمک همه بنیادگرایان خواهد شتافت. پیروزی حماس فقط می توانست با توطئه های پشت پرده، حمایت آشکار رژیم های ارتجاعی نظیر جمهوری اسلامی ایران، پشتیبانی غیر مستقیم دول امپریالیستی و حکومت های ارتجاعی منطقه بر جنبش انقلابی فلسطین امکان پذیر شود.

زنده باد جنبش مقاومت فلسطین

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

۸ بهمن ۱۳۸۴-۲۸ ژانویه ۲۰۰۶

web: <http://www.iranian-fedaii.de> em: organisation@iranian-fedaii.de

Address: A.C.P-Postfach 12 02 06 - 60115 Frankfurt am Main-Germany Fax: +49-221-170 490 21